تحلیل جامعه‌شناسانه دکتر امان‌الله قرائی‌مقدم از ریشه‌ها و انواع خودکشی:

وقتی پیوندهای اجتماعی پاره می‌شود، خودکشی رخ می‌دهد

شادی و معنویت نقش مهمی در پیشگیری از خودکشی دارند

سپهرغرب، گروه اجتماعی – سمیرا گمار: «وقتی پیوندهای اجتماعی گسسته می‌شود، فرد از جامعه جدا می‌افتد و احساس می‌کند دیگر جایی برای ادامه ندارد؛ آن‌گاه است که خودکشی از یک فکر خام به تصمیمی تلخ تبدیل می‌شود.» این جمله هشداری است از زبان دکتر امان‌الله قرائی‌مقدم، جامعه‌شناس سرشناس کشور، درباره وضعیت نگران‌کننده این پدیده در برخی نقاط ایران؛ ازجمله استان همدان که در سال‌های اخیر شاهد موارد قابل‌توجهی از این پدیده تلخ بوده است.

خودکشی، پدیده‌ای تراژیک و چندبعدی است که در سال‌های اخیر، نه‌فقط به‌عنوان یک مسئله فردی یا روانی، بلکه به‌مثابه یک هشدار جدی اجتماعی در بسیاری از نقاط کشور مطرح شده. استان همدان نیز از این قاعده مستثنی نیست. با افزایش گزارش‌های مربوط به خودکشی در این استان، زنگ خطر درباره وضعیت روانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به صدا درآمده است. در این شرایط، تحلیل دقیق علل و ریشه‌های این پدیده از منظر جامعه‌شناختی می‌تواند به درک بهتر بحران و یافتن راه‌حل‌های پیشگیرانه کمک کند.

آنچه می‌خوانید گفت‌وگو با جامعه‌شناس سرشناس کشور در این باره است:

■ غم و ناامیدی با خودکشی ارتباط مستقیم دارند

دکتر امان‌الله قرائی‌مقدم در ابتدای سخنان خود با اشاره به پیشینه نظری این مسئله گفت: خودکشی پدیده‌ای است که نخستین‌بار در قرن هجدهم و نوزدهم مورد توجه قرار گرفت. بعدها در سال ۱۸۷۸، امیل دورکیم در کتاب معروف خود با عنوان خودکشی، تئوری جامعه‌شناختی آن را مطرح کرد و از منظر پیوستگی اجتماعی به تحلیل آن پرداخت. بنده نیز شخصاً در تحقیق میدانی، با همکاری دانشجویانم در ۳۳ شهر کشور، این پدیده را بررسی و تحلیل کرده‌ام.

وی با تأکید بر اینکه این امر ذاتاً یک امر اجتماعی است، افزود: این امر تنها یک مسئله روان‌شناختی یا فردی نیست، بلکه زمانی رخ می‌دهد که پیوندهای اجتماعی فرد با اطرافیان، محیط و جامعه دچار گسست شود. یعنی وقتی فرد احساس کند دیگر تعلق و همبستگی‌ای با پیرامون خود ندارد، دچار انزوا و بریدگی می‌شود؛ در این حالت، خودکشی به‌عنوان یکی از گزینه‌ها مطرح می‌شود.

> **افزایش ازدواج، کاهش طلاق و ایجاد امید به آینده، از مؤثرترین راهکارهای کاهش خودکشی است.**

وی در ادامه، انواع خودکشی را این‌گونه توضیح داد: نوعی از خودکشی، خودخواهانه است؛ زمانی که فرد به آینده، خانواده، محیط اطراف و حتی به بهبود زندگی‌اش هیچ امیدی ندارد. صادق هدایت نمونه بارز این نوع خودکشی است؛ کسی که زندگی را بی‌فایده می‌دید و در نهایت تصمیم گرفت خودش به آن پایان دهد. این نوع خودکشی ناشی از یأس مطلق است.

این جامعه‌شناس برجسته تصریح کرد: در مقابل، نوع دیگری وجود دارد که آن را خودکشی دگرخواهانه می‌نامیم. در این نوع، فرد برای یک هدف یا آرمان جمعی از خود می‌گذرد. برای مثال، در سال‌های گذشته در مناطقی چون کردستان، سنندج، ایلام و حتی تا حدی در همدان، نمونه‌هایی از این نوع دیده شد. در این مناطق، برخی افراد برای نشان دادن اعتراض، اقدام به خودکشی می‌کردند.

قرائی‌مقدم در ادامه، به نمونه‌های تاریخی نیز اشاره کرد: رهبران معابد بودایی در ویتنام، در دوران جنگ با آمریکا، زمانی که نمی‌توانستند کاری در برابر اشغال کشورشان انجام دهند، به نشانه اعتراض خودسوزی می‌کردند؛ این نیز نوعی خودکشی دگرخواهانه بود. حتی در جنگ ایران و عراق، برخی رزمندگان داوطلبانه روی مین می‌خوابیدند تا مسیر باز شود؛ این نیز گرچه ظاهر خودکشی دارد، اما در حقیقت رفتاری ایثارگرایانه با انگیزه‌ای والا بود. بنابراین نباید این نوع اقدامات را در دسته خودکشی منفی قرار داد.

وی سپس با اشاره به عوامل اقتصادی دخیل در خودکشی اظهار کرد: این امر می‌تواند ریشه‌های اقتصادی نیز داشته باشد. وقتی فرد دچار بحران معیشتی می‌شود، فقر و فشار مالی زندگی‌اش را به نابسامانی می‌کشاند و او را به نقطه‌ای می‌رساند که پایان دادن به زندگی را راه نجات می‌پندارد. در بحران اقتصادی بزرگ آمریکا در سال ۱۹۲۹، بسیاری از افراد به‌دلیل ورشکستگی، خودکشی کردند. در ایران نیز، در اوایل انقلاب، زمانی که نرخ ارز ناگهان کاهش یافت و برخی دچار ضرر شدید مالی شدند، مواردی از خودکشی ثبت شد.

وی در ادامه به تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی پرداخت و گفت: جنگ‌ها در این زمینه نقش مهمی دارند. زمانی که جنگ در جریان است، همبستگی اجتماعی بالا می‌رود و میزان خودکشی کاهش می‌یابد اما پس از پایان جنگ، وقتی افراد به زندگی عادی بازمی‌گردند و با مشکلات فردی و اجتماعی مواجه می‌شوند، احتمال بروز خودکشی افزایش می‌یابد.

این پژوهشگر مطرح اجتماعی، نوع دیگری از خودکشی را «خودکشی ناشی از پریشانی اجتماعی» معرفی و خاطرنشان کرد: زمانی که فرد نسبت به آینده بدبین می‌شود، احساس بی‌هنجاری می‌کند و امید خود به جامعه را از دست می‌دهد، دچار بحران هویتی می‌شود. متأسفانه این نوع ناهنجاری‌ها در ایران، به‌ویژه در کلان‌شهرها، در حال افزایش است. افراد زیادی احساس می‌کنند که در جامعه جایگاهی ندارند و آینده‌ای روشن در پیش نیست.

قرائی‌مقدم در ادامه با اشاره به یافته‌های میدانی اذعان کرد: در استان‌هایی مانند کردستان و ایلام، مواردی از خودکشی با خوردن سم یا مواد شیمیایی گزارش شده که ناشی از فشارهای اجتماعی و خانوادگی است. در تهران نیز در برخی چهارراه‌ها یا در برابر برخی ادارات، اورژانس‌های اجتماعی با موارد خودکشی مواجه شده‌اند.

وی با اشاره به گروه‌های در معرض خطر ادامه داد: افراد معتاد، کسانی که در مشاغل آسیب‌پذیر مانند روسپی‌گری فعالیت می‌کنند یا کسانی که از جامعه طرد شده‌اند، در معرض خطر بالاتری هستند. هر زمان که پیوند فرد با خانواده‌اش اعم از پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و... از بین برود، او به‌نوعی دچار انزوای کامل می‌شود و ممکن است به خودکشی فکر کند.

این محقق و مؤلف سرشناس در پایان بخش نخست گفت‌وگو، مهم‌ترین عامل افزایش این معضل در جامعه امروز ایران را چنین برشمرد؛ بی‌هنجاری، بی‌اعتمادی، ناامنی روانی، احساس پوچی و نبود چشم‌انداز روشن از آینده، جامعه را به سمتی می‌برد که افراد انگیزه‌ای برای ادامه زندگی ندارند. اگر جامعه‌ای بخواهد آمار خودکشی را کاهش دهد، باید امید، امنیت، آرامش، اشتغال و عدالت را در بطن آن تقویت کند.

قرائی‌مقدم در بخش دوم صحبت‌های، درباره تفاوت نرخ خودکشی در کشورهای مختلف عنوان کرد: این امر پدیده‌ای جهانی است و در همه کشورها وجود دارد، اما شدت آن متفاوت است. مثلاً در برخی کشورهای اسکاندیناوی، میزان خودکشی کمتر است، در حالی که در مناطق دیگر این آمار بالاست. این تفاوت ناشی از مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

وی درباره نقش آموزش‌های رسمی در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی و روانی نیز تأکید کرد: آموزش می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ به‌ویژه آموزش‌هایی که امید به آینده را افزایش می‌دهند و اعتقادات دینی و مذهبی را تقویت می‌کنند. تجربه نشان داده افرادی که باورهای دینی مستحکمی دارند، کمتر دست به خودکشی می‌زنند. در اسلام، خودکشی نهی شده و این یک عامل بازدارنده قوی است.

این جامعه‌شناس مطرح در همین رابطه به مثال تاریخی اشاره کرد و گفت: در جنگ جهانی دوم، افسران ژاپنی که شکست می‌خوردند، به‌ناچار دست به خودکشی می‌زدند. این نشان می‌دهد که فرهنگ و باورهای جامعه می‌توانند در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی مانند خودکشی تأثیر زیادی داشته باشند.

قرائی‌مقدم ادامه داد: این معضل نه ذاتی و نه ارثی است. بلکه پدیده‌ای کاملاً اجتماعی است. وقتی فرد از هویت اجتماعی خود، نظیر خانواده، شغل، جایگاه اجتماعی، جدا شود، آسیب‌پذیر می‌شود. ما مثل بادکنک‌هایی هستیم که نخ‌هایی ما را به اطراف وصل کرده‌اند؛ نخ‌هایی چون پدر، مادر، همسر، دوستان، شغل و دلخوشی‌های زندگی. وقتی این نخ‌ها پاره شوند، ما به اصطلاح از زندگی جدا می‌شویم.

وی در پایان متذکر شد: اگر فضای اجتماعی مساعد باشد، اگر مردم احساس آرامش و امنیت کنند، اگر توسعه اقتصادی وجود داشته باشد و امید به آینده زنده باشد، خودکشی به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد اما اگر همه‌چیز رنگ مادی بگیرد و روابط انسانی بر مبنای پول سنجیده شود، فضای جامعه نامساعد می‌شود و خودکشی افزایش می‌یابد. جامعه‌ای که در آن غم، ناامیدی، نزاع و تنش جریان داشته باشد، بستر مناسبی برای زندگی نیست. برای کاهش این پدیده باید شادی، امید و اعتماد را در جامعه تقویت کرد. افزایش ازدواج، کاهش طلاق و بالا بردن امید به آینده از مهم‌ترین راهکارها در این زمینه‌اند. باید شرایطی فراهم کرد که افراد در جامعه احساس امنیت، آرامش و تعلق خاطر داشته باشند.

■ هشدار؛ خودکشی، تهدیدی جدی برای آینده اجتماعی

در حالی که خودکشی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی پیچیده و چندوجهی در جامعه ایران به سرعت در حال افزایش است، نیاز به توجه ویژه و فوری از سوی مسئولان و مردم احساس می‌شود. همان‌طور که دکتر امان‌الله قرائی‌مقدم اشاره کرد، گسست‌های اجتماعی، فقر، ناامیدی، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و نبود امید به آینده، عواملی هستند که بیش از پیش خطر خودکشی را در کشور بالا می‌برند.

این پدیده نه‌تنها تهدیدی برای افراد بلکه برای سلامت اجتماعی جامعه نیز به‌شمار می‌رود. باید با همبستگی اجتماعی، تقویت روابط انسانی، توجه به مسائل روانی و فرهنگی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، از گسترش این بحران جلوگیری کنیم. مسئولیت ما به‌عنوان اعضای یک جامعه، ایجاد فضایی از امید، امنیت و آرامش است تا هیچ فردی احساس انزوا و تنهایی نکند.

مؤسسات قرآنی در انتظار حمایت‌های شایسته

نخستین سند قرآنی استان همدان؛ الگوی کشوری شد

سپهرغرب، گروه مشکات – ملیکا قانعی: مدیر بنیاد قرآن استان همدان حمایت نکردن از مؤسسات قرآنی را مهم‌ترین چالش در مسیر فعالیت‌های قرآنی دانست و گفت: با وجود حمایت برخی مسئولان اما آنگونه که شایسته و بایسته است بودجه‌ای به این حوزه اختصاص نیافته و در سطح استان نیز به‌طور جدی به این موضوع پرداخته نشده، بنا بر همین کمبود منابع، برخی مؤسسات پس از مدتی به‌دلیل مشکلات مالی تعطیل می‌شوند.

مؤسسات قرآنی به‌عنوان نهادهای بنیادین در عرصه فرهنگ دینی، نقشی چندوجهی و بسیار مؤثر در جوامع معاصر ایفا می‌کنند. این مؤسسات، فراتر از مراکز صرفاً آموزشی، به‌عنوان پایگاه‌هایی برای حفظ، ترویج و تعمیق فرهنگ و معارف قرآنی عمل می‌کنند و در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار هستند.

محافل قرآنی نیز به‌عنوان نهادهای مؤثر در عرصه فرهنگ دینی، نقش مهمی در حفظ، ترویج و تعمیق معارف قرآنی، تربیت نسل قرآنی، تقویت ایمان و معنویت، ایجاد وحدت و همدلی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی دارند و سرمایه‌ای ارزشمند برای جامعه اسلامی محسوب می‌شوند.

در همین راستا خبرنگار روزنامه سپهرغرب با جواد صدیق یکی از مدرسان تربیت معلم همدان و مدیر بنیاد قرآن استان، گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید:

■ لطفاً بفرمایید هدف اصلی مؤسسه قرآنی شما چیست و با چه نیتی و در چه سالی تأسیس شده است؟

بنیاد قرآن استان همدان با هدف گسترش فرهنگ قرآن کریم و تقویت و پشتیبانی از جلسات قرآنی، در سال ۱۳۷۵ تأسیس شده. این بنیاد که با حمایت آیت‌الله موسوی، امام‌جمعه محترم وقت همدان و نماینده ولی‌فقیه در استان و همچنین جمعی از اساتید تأسیس شد. از زمان تأسیس تاکنون، در بخش‌ها و رشته‌های مختلف قرآنی فعالیت داشته و موفق به آموزش بیش از ۵۰ هزار نفر در رشته‌های متنوع قرآنی شده. دفتر بنیاد قرآن در ابتدای خیابان شریعتی همدان، در ابتدای خیابان معروف به «چهارراه کبابیان» واقع شده است.

در بنیاد قرآن، در رشته‌های مختلف ازجمله روخوانی، روان‌خوانی، تجوید، مفاهیم، تفسیر و نهج‌البلاغه آموزش ارائه و در ساعات مختلف برگزار می‌شوند. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه حضوری از آن‌ها بهره ببرند. این کلاس‌ها برای بانوان و آقایان به‌صورت مجزا برگزار می‌شود.

تاکنون نزدیک به ۳۱ دوره تربیت معلم برگزار شده که مخاطب آن‌ها افراد ساکن در روستاها و مناطق محروم بوده‌اند؛ به این صورت که از هر روستا یا منطقه محروم یک نفر را شناسایی کرده و با گذراندن دوره تربیتی، آن فرد به‌عنوان مربی در همان منطقه مشغول به آموزش شده است. در حال حاضر در ۶۵ روستای استان همدان جلسات قرآنی برگزار می‌شود که توسط همین مربیان آموزش‌دیده در بنیاد اداره می‌شوند. در شهرستان‌های مختلف هم نمایندگی‌های بنیاد قرآن، همین فعالیت‌ها را دنبال می‌کنند. در حوزه آموزش، در بخش‌های روخوانی، روان‌خوانی، تجوید، مفاهیم، تفسیر، برگزاری مسابقات، نمایشگاه‌ها و دیگر زمینه‌ها نیز فعالیت داشته‌ایم.

■ لطفاً بفرمایید چه چشم‌انداز و برنامه‌هایی برای آینده مؤسسه در نظر دارید؟

با عنایت پروردگار هدف ما این است که در کلیه مناطق استان همدان جلسات قرآن فعال داشته باشیم. در راستای همین هدف، در کل شهرستان‌ها نمایندگی‌هایی ایجاد کرده‌ایم که در حال پیگیری هستند تا در روستاها و مناطق محروم نیز جلسات قرآن برقرار شود.

همچنین، قصد داریم جلسات موجود را تقویت کرده و کودکان و نوجوانان قرآنی را تحت پوشش قرار دهیم. برای حمایت از این عزیزان، با صندوق‌های قرض‌الحسنه ازجمله «صندوق مهدیه» و «صندوق قرض‌الحسنه ولایت» قرارداد همکاری منعقد کرده و مبلغی نیز در این صندوق‌ها سپرده‌گذاری شده تا در صورت نیاز، افراد قرآنی که با مشکلات مالی مواجه‌اند، به این صندوق‌ها معرفی شوند و بتوانند از کمک‌های مالی بهره ببرند. تاکنون نزدیک به یک میلیارد تومان به این موضوع اختصاص داده شده است.

■ مهم‌ترین چالشی که در مسیر فعالیت‌های قرآنی با آن مواجه بوده‌اید چیست؟

مهم‌ترین چالش ما نبود حمایت از مؤسسات قرآنی است. متأسفانه نبود حمایت مالی مناسب موجب تضعیف برخی از مؤسسات شده؛ البته، مسئولان استان همدان ازجمله مدیر ارشاد، مدیر سازمان تبلیغات و دیگر مسئولان، دلسوز و همراه هستند، اما از مرکز، آن‌گونه که باید بودجه‌ای به این حوزه اختصاص نیافته و در سطح استان نیز به‌طور جدی به این موضوع پرداخته نشده. بنا بر همین کمبود منابع، برخی مؤسسات با وجود فعالیت‌های ارزشمند، پس از مدتی به‌دلیل مشکلات مالی تعطیل می‌شوند. به‌عنوان مثال، مؤسسه جامع‌القرآن برادران بخاطر همین مشکلات دیگر نتوانست فعالیت خود را ادامه دهد و به‌ناچار تعطیل شد، همین نبود حمایت جدی از مؤسسات قرآنی بزرگ‌ترین چالش است. متأسفانه تا به حال حمایتی در شأن این مؤسسات ندیده‌ایم.

■ تاکنون چه موفقیت‌هایی از طریق شاگردان شما در مؤسسه و همچنین در مسابقات و جشنواره‌های قرآنی حاصل شده است؟

به لطف خداوند، نخستین سند قرآنی استان توسط بنیاد قرآن همدان تهیه و تدوین و به‌عنوان الگو در سراسر کشور معرفی شد. سند دوم نیز پس از گذشت چهار سال، به همت شورای قرآن استان و با زحمات جناب آقای سعیدی و دیگر عزیزان نوشته شد که آن هم به‌عنوان الگو مورد توجه قرار گرفت.

درخصوص شورای قرآن استان باید بگویم که برای نخستین‌بار در استان همدان تأسیس شد و پایه‌گذار آن نیز بنیاد قرآن بود. این شورا از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ فعالیت داشت. پس از آن، با توجه به پیگیری‌ها و نامه‌نگاری‌هایی که صورت گرفت و در نهایت با ارائه توضیحات به محضر مقام معظم رهبری، به‌تدریج به‌صورت کشوری درآمد و امروزه در استان‌های دیگر نیز تشکیل شده است.

در زمینه آموزش نیز دوره‌های تخصصی متعددی برگزار شده. بخشی از این دوره‌ها توسط مجمع استادان و قاریان و حافظان استان، بخشی توسط بنیاد قرآن و بخشی دیگر نیز توسط شورای قرآن استان برگزار شده‌اند. در این مسیر، نزدیک به ۲۰ نفر از اساتید برجسته دعوت شده‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به استاد موسوی بلده، استاد شاه‌میوه، استاد ابوالقاسمی و استاد سعیدیان اشاره کرد. به لطف خداوند، این فعالیت‌ها نتایج بسیار خوبی داشته؛ به‌طوری‌که هم‌اکنون در سطح کشور، نفرات ممتاز در زمینه‌های حفظ، قرائت و ترتیل، در میان خواهران و برادران، تربیت‌یافته این مجموعه هستند و مقام‌های ارزنده‌ای کسب کرده‌اند.

■ با توجه به سابقه درخشان شما در این حوزه، اهمیت و نقش خانواده‌ها و اساتید قرآنی در یادگیری قرآن چیست؟

قرآن در حقیقت خلاصه‌ای از تعالیم همه انبیاست. یعنی چهار هزار پیامبری که آمده‌اند، همه آموزه‌هایشان در قرآن جمع شده. اگر به تورات، انجیل و زبور نگاه کنیم، می‌بینیم که آنچه مهم و مفید بوده، در قرآن آمده و آنچه زائد یا نامطلوب بوده، کنار گذاشته شده است.

تنها چیزی که می‌تواند خانواده‌ها را تضمین کند و جامعه را به سلامت برساند، خود قرآن است. اگر فرهنگ قرآنی گسترش یابد، می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. علت بسیاری از سقوط‌ها، در سطح فردی و خانوادگی، دوری از فرهنگ قرآن است. بنابراین، به‌عنوان سپری در برابر مشکلات عمل می‌کند.

رسول اکرم (ص) نیز در حدیثی می‌فرمایند: وقتی فتنه‌ها مانند پاره‌های ابر به سوی شما هجوم آورد، به قرآن متوسل شوید.

خانواده‌ها نقش بسیار مؤثری دارند. اگر خانواده‌ای تقویت شود، آن وقت فرزندان نیز در مسیر صحیح قرار می‌گیرند. متأسفانه امروزه شاهد هستیم که خانواده‌ها برای آموزش زبان انگلیسی، کلاس نقاشی و سایر مهارت‌ها هزینه‌های زیادی صرف می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به آموزش قرآن می‌رسد، نه‌تنها هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند، بلکه حتی از کلاس‌های رایگان نیز بهره نمی‌برند. این در حالی است که آموزش قرآن به‌مراتب مهم‌تر از زبان انگلیسی است. هرچند زبان انگلیسی هم جایگاه خود را دارد، اما تأثیر فرهنگ قرآنی در تربیت انسان‌ها، قابل مقایسه با هیچ مهارت و آموزش دیگر نیست.

■ چه توصیه‌ای برای خانواده‌ها و معلمان قرآن دارید؟

خانواده‌ها باید از دوران کودکی، فرزندان خود را با کلاس‌های قرآنی مختلف آشنا کرده و در مسیر آموزش و تعلیم قرآن قرار دهند. این موضوع، مسلماً در سلامت روحی و اخلاقی فرزندان بسیار مؤثر خواهد بود. هر چقدر خانواده‌ها در این زمینه کوتاهی کرده و کودکان را بیشتر به فضای مجازی و فعالیت‌های غیرفرهنگی مشغول کنند، به همان میزان از فرهنگ قرآنی فاصله گرفته و آسیب بیشتری متوجه آن‌ها می‌شود.

معلمان قرآن نیز مسئولیت بزرگی بر عهده دارند و باید در این زمینه تلاش بیشتری انجام دهند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند؛ هدایتی که انسان به‌واسطه آن به راه راست هدایت شود، از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد، برتر است. بنابراین اساتید قرآن باید زکات علم خود را با تلاش، فعالیت و برگزاری جلسات مؤثر قرآنی بپردازند و فرهنگ سلامت و رشد جامعه را هدیه دهند. امید به رحمت خدا داریم که بتوانیم وظایف خود را بر اساس قرآن به‌درستی انجام دهیم.

■ به‌نظر شما تجوید چقدر می‌تواند در تلاوت یا حفظ قرآن مؤثر باشد؟ جایگاه تجوید را در جامعه قرآنی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تجوید، قطعاً بسیار مهم است. اساس قضیه این است که ما قرآن را خوب، صحیح و با صوت زیبا تلاوت کنیم، چراکه تلاوت با صوت زیبا تأثیرگذاری بیشتری دارد. خود قرآن دارای آهنگ خاصی است و وقتی با لحن‌ها و مقامات مختلف خوانده می‌شود، اثرگذاری عمیق‌تری خواهد داشت.

برای تلاوت زیبا، لازم است که انسان تجوید را بیاموزد. تجوید زینت قرآن است؛ اما ابتدا باید مراحل روخوانی و روان‌خوانی به‌خوبی طی شده باشد. یعنی فرد باید بتواند قرآن را بدون غلط بخواند، سپس وارد مرحله تجوید شود که هدف آن نیکو کردن قرائت و رعایت قواعد صوتی است.

البته اصل و اساس قرآن، تدبر در آن است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «لا خیر فی قرائةٍ لا تدبر فیها»؛ یعنی قرائتی که در آن تدبر و تفکر نباشد، خیری در آن نیست؛ بنابراین، برای رشد واقعی، فرد باید بر مفاهیم، معنا و تفسیر قرآن نیز تمرکز داشته باشد. تجوید و صوت زیبا، زینت قرائت است، اما اصل؛ فهم و درک قرآن است. اگر جلسات قرآنی به سمت فهم مفاهیم و تدبر در آیات بروند، افراد می‌توانند فرهنگ قرآن را درونی کرده و با آن همراه شوند. در غیر این صورت، صرف قرائت صوتی و ظاهری، تأثیر عمیق و پایدار نخواهد داشت.

■ لطفاً بفرمایید برای اینکه قرآن‌آموزان ارتباط بیشتری با مفاهیم قرآن برقرار کنند، چه روش‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

قرآن‌آموزان بهتر است از سوره‌های ساده و کوتاه شروع کنند. یعنی از سوره‌های جزء سی‌ام که کوتاه و در عین حال دارای مفاهیم زیبا هستند آغاز کنند. هم‌زمان با آن، روی مفاهیم، تجوید و روخوانی نیز کار شود. وقتی آموزش در سطح ساده جا افتاد، به‌تدریج می‌توان به سراغ سوره‌های بلندتر رفت که مفاهیم سنگین‌تری دارند و درک آن‌ها نیازمند آمادگی ذهنی بیشتر است.

■ بسیاری از افراد علاقه‌مندند فعالیت‌های قرآنی خود را آغاز کنند، اما این مسیر را دشوار می‌دانند. چه توصیه‌ای برای این عزیزان دارید؟

اگر خانواده‌ها، هیئات مذهبی و مساجد همکاری کرده و از جلساتی که در حال حاضر برگزار می‌شود، حمایت کنند، مسیر بسیار آسان‌تر خواهد شد. این جلسات می‌توانند بستر مناسبی برای شروع و توسعه فعالیت‌های قرآنی باشند.

*تأثیر آیات قرآن در زندگی شخصی شما چگونه بوده است؟

حقیقت این است که تمام زیبایی‌ها را در قرآن می‌بینیم. وقتی در قرآن درباره خلقت، عظمت پروردگار و آفرینش جهان صحبت می‌شود، مشاهده می‌کنیم که خداوند چقدر زیبا خود را معرفی کرده. ممکن است ما تلاش کنیم که خدا را توصیف کنیم، اما آنجا که قرآن می‌فرماید: «اگر تمام دریاها مرکب شوند و تمام درختان قلم گردند تا درباره خداوند بنویسند، باز هم کم می‌آورند»، نشان از زیبایی بی‌نظیر بیان قرآنی دارد.

آفرینش در قرآن با بیانی بسیار زیبا و دقیق مطرح شده و اخلاق انسانی نیز در قرآن به‌زیبایی اصلاح و هدایت می‌شود. مثلاً قرآن می‌فرماید: «اگر کسی به شما بدی کرد، شما خوبی کنید؛ در این صورت، کینه‌ها از بین خواهد رفت.» یا اینکه سفارش می‌کند از خطاهای مردم بگذرید و می‌پرسد: «آیا دوست ندارید که خداوند از شما بگذرد؟»

در مورد احترام به والدین نیز آمده است که: «به پدر و مادرتان نیکی کنید و خود را در برابر آن‌ها فروتن سازید.» همه این مفاهیم، زیبایی‌هایی است که در قرآن نهفته و هیچ منبعی نمی‌تواند همانند قرآن، با پشتوانه الهی، چنین راهنمایی‌هایی ارائه دهد. خداوند وعده داده که اگر به دستورات قرآن عمل کنید، حیات طیبه یعنی زندگی پاک و سالم خواهید داشت.

متأسفانه در برخی جوامع، به‌دلیل درک نادرست یا دوری از مفاهیم قرآن، بدبینی‌هایی نسبت به آن شکل گرفته، اما افرادی که به حقیقت قرآن دست یافته‌اند، جذب آن شده‌اند. من نیز بسیاری از این زیبایی‌ها را شخصاً در زندگی خود لمس کرده‌ام؛ کافی‌ست انسان با تعمق و تفکر، به آیات قرآن توجه کند تا به حقیقت و زیبایی آن برسد.

■ از چه سنی والدین می‌توانند فرزندان خود را با قرآن آشنا کرده و آن‌ها را به مؤسسات قرآنی ببرند؟

خانواده‌ها می‌توانند از سنین پایین، حتی در خانه، آموزش قرآن را آغاز کنند. در ابتدا آموزش‌ها باید به‌صورت ساده، تشویقی و بدون اجبار باشد. خانواده‌ها می‌توانند کودکان را به جلسات قرآنی بفرستند و با همکاری معلمان، انگیزه و شوق یادگیری را در آنان ایجاد کنند. مثلاً اگر کودک یک سوره یا آیه یاد بگیرد، معلم می‌تواند هدیه یا تشویقی از طرف والدین به او بدهد. این تشویق‌های ساده باعث ایجاد علاقه‌مندی در کودک می‌شود.

البته فضای جلسات نیز باید شاد و دلچسب باشد و از سخت‌گیری‌های افراطی پرهیز شود، زیرا سخت‌گیری ممکن است کودک را از جلسه زده کند. اگر کودک حتی یک آیه یاد گرفت، باید تشویق شود و نباید فشار بیش‌ازحد به او وارد گردد.